

به نام خداوند بخشنده مهربان

بچه های نازنین سلام

در این فایل می خواهیم قصه جالب بزغاله خجالتی را برای شما تعریف کنیم.

توی یه گله بز، یه بزغاله خجالتی بود که خیلی آروم و سر به زیر بود. وقتی همه بزغاله ها بازی و سر و صدا راه می انداختند اون فقط یه گوشه می ایستاد و نگاه می کرد.

وقتی گله بزغاله ها به یه برکه ی آب می رسید، بزغاله های شاد و شیطون برای خوردن آب می دویدند سمت برکه و حسابی آب می خوردند و آب بازی می کردند .

اما بزغاله ی خجالتی اینقدر صبر می کرد تا همه بزغاله ها از کنار برکه برن بعد خودش تنهایی بره آب بخوره. بعضی وقتا از بس دیر می کرد، گله به سمت دهکده به راه می افتاد و اون دیگه وقت آب خوردن رو از دست می داد. این جوری اون خیلی خودشو اذیت می کرد. چوپون مهربون گله بارها و بارها به بزغاله خجالتی گفته بود که باید رفتار شو عوض کنه. اما بزغاله خجالتی هیچ جوابی نمی داد و باز همونجوری خجالتی رفتار می کرد .

یه روز صبح وقتی گله می خواست برای چرا به دشت و صحرا بره، بزغاله ی خجالتی موقع رفتن زمین خورد و یه کم پاش درد گرفت. به همین خاطر نتونست مثل هر روز خودشو به گله برسونه. اون توی خونه جا موند اما خجالت می کشید که صدا بزنه من جا موندم صبر کنید تا منم برسم. وقتی به نزدیک در رسید دید که همه رفتند و تنها توی خونه مونده. اینجوری مجبور بود تا شب تنها و گرسنه بمونه.

چوپون گله در طول راه متوجه شد که بزغاله خجالتی با اونا نیومده، به خاطر همین سگ گله رو فرستاد تا به خونه برگرده و اونو با خودش بیاره. اما اول درگوش سگ یه چیزایی گفت و بعد اونو راهی خونه کرد. سگ گله به خونه برگشت و یه گوشه گرفت خوابید. بزغاله خجالتی دل تو دلش نبود. باخودش فکر می کرد مگه سگ گله به خاطر اون برنگشته، پس حالا چرا گرفته خوابیده. دلش می خواست با اون حرف بزنه اما خجالت می کشید. یه کم دور و بر اون راه رفت و منتظر موند، اما سگ اهمیتی نمی داد. بلاخره صبرش سر اومد و رفت جلو و به سگ گفت ببخشید من امروز جا موندم می شه منو ببرید به گله برسونید؟ سگ خندید و گفت البته که می شه. اما من تند تند می رم می تونی بهم برسی؟

چوپون مهربون چشم به جاده دوخته بود و منتظر اونا بود که یه دفه دید بزغاله خجالتی داره می دوه و میاد و سگ گله هم با کمی فاصله پشت سرش می یاد مثل اینکه با هم دوست شده بودن. اونا باهم حرف می زدن و می خندیدن. چوپون گله لبخندی زد و گفت امیدوارم بزغاله خجالتی همین طوری ادامه بده تا یه بزغاله شاد و شنگول بشه .